

۵ سال پس از خروج ترامپ از برجام وزیر خارجه سابق ایران همچنان مثل دوران دولت روحانی حرف می‌زند

دنیای موازی آقای ظریف



خارج شد اما همچنان تلاش‌ها برای احیای توافق ادامه دارد و گمانه‌زنی‌هایی درخصوص رسیدن به توافقی موقت مطرح می‌شود. شرایط جدید ایران در عرصه بین‌الملل حاوی دو پیام مشخص برای تیم دیپلماسی دولت روحانی است؛ درحالی‌که

برقراری روابط ایران و مصر، تشکیل ائتلاف دریایی ایران با کشورهای منطقه و خروج امارات از ائتلاف دریایی آمریکا، مداخلات منطقه‌ای را به نفع ایران تغییر داده است. در چنین شرایطی پیگیری مذاکرات احیای برجام از اولویت اول ایران

دستور کار قرار گرفتن مذاکرات منطقه‌ای توافق برجام جایگاه خود را به‌عنوان تنها دستورالعمل ایران در حوزه دیپلماسی از دست داده است. بعد از توافق تهران و ریاض سیل اخبار خوب پیرامون تحولات منطقه شدت یافته است. رزمه‌های

علی فلاحي - زهرا طيبي

گروه‌سیاست

محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه دولت روحانی پنج‌روز پیش یادداشتی در صفحه اینستاگرامش منتشر کرد که مشخص بود با واکنش‌های زیادی رویه‌رو می‌شود. او در متن «خودمان انتخاب کردیم» درباره قرارداد ترکمانچای نوشته بود: «نه‌تنها ما مردم بلکه نخبگان ما کدام‌یک را بیشتر نگوئیم می‌کنند؛ آنها که با آرزوی بازپس گرفتن سرزمین از دست‌رفته در قرارداد گلستان، بخش‌های بیشتری از سرزمین و حتی استقلال ایران را به باد دادند، یا آنها که با قرارداد ترکمانچای دست‌کم قسمتی از سرزمین تازه از دست‌رفته را بازپس گرفتند.» ظریف حتی در یادداشتش سازش‌کار بودن را موضوع منفی نمی‌داند: «چرا «سازش‌کار» منفی، و «سازش‌ناپذیر» مثبت است؟ مگر سازش جز به‌معنی دستیابی به نقطه اشتراک و توازن برای حرکت به‌سوی آرمان‌هاست؟» واضح بود که این اظهارات ظریف با واکنش‌های زیادی همراه می‌شود. سه‌روز بعد از انتشار این یادداشت و حاشیه‌سازی‌هایش، ظریف در کلاب‌هاوس صحبت کرد و اظهاراتی را درباره برجام و مذاکرات مطرح کرد که به‌نوعی تکمیل‌کننده یادداشتی بود که در صفحه اینستاگرامش منتشر کرده بود. ظریف در گفت‌وگو کلاب‌هاوسی سه‌شنبه‌شب اظهاراتی را مطرح کرده که کارکردی جز دستاوردسازی از اقدامات و اشتباهاتش در دوران نمایندگی ایران در مذاکرات مختلف از جمله برجام ندارد. او در اظهارات اعتراف‌گونه خود درحالی سعی دارد مدام برجام را به‌عنوان سند افتخار خود معرفی کند که مدت‌هاست با در



تکرار عذر بدتر از گناه

در زمانی که فرآیند بررسی برجام در مجلس در جریان بود، یکی از انتقادهایی که به آن وارد شد از این قرار بود که چرا در ازای امتیازاتی که ایران به‌طرف مقابل داده است، آنها صرفاً تصمیم‌به «تعلیق» برخی تحریم‌ها گرفته‌اند. درحالی‌که بخشی از تعهدات ایران غیرقابل بازگشت بودند و اما تحریم‌های تعلیق شده به‌سرعت و به‌سادگی می‌توانستند دوباره اعمال شوند. اما این اعتراض در آن زمان با پاسخ عجیب محمدجواد ظریف رویه‌رو شد. وزیر امور خارجه وقت در جریان یکی از جلسات مجلس اظهار داشت که «در هیچ‌جای برجام «تعلیق» نیامده و هرکس که [واژه‌ای] از تعلیق ترجمه کرده اشتباه ترجمه کرده است.» این درحالی بود که در متن برجام به‌وضوح چهاربار از کلمه «Suspend» استفاده شده بود. ظریف بعد از گذشت ۶ سال، در مهرماه ۱۴۰۰ و دوماه بعد از تحویل مسئولیتش، در گفت‌وگویی که در «کلاب‌هاوس» داشت، برای اولین بار به اشتباه خود اعتراف کرد. او اشتباه خود را این‌گونه توجیه کرد که دستورالعمل‌هایی به تیم مذاکره‌کنندگانی که مشغول تدوین ضوابط برجام بودند، داده شده بود تا از برخی واژه‌ها استفاده نکنند، اما در لحظات آخر مذاکره حول یک ضمیمه برجام، نماینده اروپا با ادعای اینکه نمی‌توان برخی تصمیمات اتحادیه اروپا را که شامل موارد دیگری هم هست تا زمان برداشته شدن همه تحریم‌ها لغو کرد، اظهار داشت این تصمیمات فعلاً معلق می‌شوند تا بعداً کاملاً لغو شوند و این‌گونه این واژه به متن برجام راه پیدا کرد. ظریف همچنین ادعا کرد که مذاکره‌کننده ایران به او این موارد را اطلاع نداده بود. او در گفت‌وگویی سه‌شنبه‌شب خود این عذر بدتر از گناه را تکرار کرد. او توضیحات دوسال پیش را این‌گونه تکمیل کرد که از ابتدا با کشورهای ۱+۵ توافق کرده بودیم از دو واژه «تعلیق» و «ممنوعیت» استفاده نشود. اما اروپایی‌ها در لحظات آخر استدلال کردند که اگر از واژه «Terminate» استفاده شود باید در همان روز اجرایی قطعنامه جدید درمورد تحریم‌های موشکی و تسلیحاتی صادر کنیم و این اثر بدی خواهد داشت. او مجدداً مدعی شد که تیم مذاکره‌کننده ایران بدون هماهنگی با او با این استدلال طرف اروپایی را پذیرفته بودند. مسأله‌ای که به‌خوبی عجله و بی‌دقتی نمایندگان ایران را در جریان مذاکرات نشان می‌دهد. ظریف همچنین ادعا کرد کلمه تعلیق هیچ تأثیری روی تحریم‌ها نداشته و مواردی که از واژه تعلیق استفاده شده است کاملاً به اتحادیه اروپا مربوط می‌شوند و به آمریکا ارتباطی ندارند. منظور او این بود که مشکل اصلی تحریم‌های کشور ما آمریکا است و این بندهای شامل واژه تعلیق چون ارتباطی با آمریکا ندارند اثری در تحریم‌های امروز ایران نداشته‌اند. اما نکته بسیار مهم که آقای ظریف به آن اشاره نمی‌کند، این است که حتی بندهای تعلیق هم اساساً هیچ وقت فعال نشدند و هیچ فایده‌ای از آنها به ایران نرسید. درواقع علت اینکه این بندها در تحریم‌های امروز کشور اثری ندارند همین است، زیرا حتی تعلیق خیلی از آن موارد هیچ‌گاه اتفاق نیفتاد که اتحادیه اروپا بخواهد با تمسک به واژه «تعلیق» تحریم‌هایش را به شرایط قبل از برجام برگرداند. اما در هر صورت اشتباه مذاکره‌کنندگان ایران قابل چشم‌پوشی نیست، زیرا حتی اگر اتحادیه اروپا می‌خواست به تعهدات خود، مطابق برجام عمل کند و واقعاً خبری از تعلیق هم در کار می‌بود، این بندها به‌سادگی امکان بازگشت به شرایط اولیه را در برخی موارد تحریمی به اروپایی‌ها می‌داد. نکته‌ای که به‌وضوح ضعف طرف ایرانی در فرآیند تدوین و تصویب متن برجام را آشکار می‌سازد.



سلب مسئولیت از اشتباهات

یکی از نکات جالب توجه در صحبت‌های کلاب‌هاوسی محمدجواد ظریف تلاش او برای انداختن توپ به زمین رهبری در مسائل مختلف است. او در گفت‌وگویی اخیر خود درحالی سعی دارد عدم طرح درخواستش با رهبری مبنی بر مذاکره با ترامپ را عامل شکست توافق جلوه دهد که حتی محمدباقر نوبخت، سخنگوی دولت دوازدهم نیز بعد از خروج آمریکا از برجام ترامپ را غیرقابل اعتماد توصیف کرده بود. ظریف درمورد ایرادات احتمالی برجام نیز مشابه همین امر سعی دارد توپ را به زمین رهبری انداخته و آن را توافقی مورد قبول رهبری جلوه دهد. وزیر خارجه دولت روحانی در همین راستا می‌گوید: «این که ما بگوییم کلمه به کلمه را ایشان موافقت کردند، حتماً خلاف است. این‌طور نبوده است ولی اگر نظرشان این بود که مخالفت کنند و با نظر بدهند می‌توانستند.» کما اینکه در بسیاری از موارد این اقدام را کردند و ما هم تا آنجایی که در توان مان بود براساس نظرات ایشان عمل کردیم، هرچاه که در توان مان نبود گزارش دادیم و بعد از اینکه مجوز گرفتیم عمل کردیم.» فارغ از اینکه اظهارات ظریف درمورد ارائه گزارش کامل تا چه حد صحت دارد، باید مواردی همچون بی‌توجهی وی به وجود کلمه ساسپند (suspend) و اعترافی که درباره این اشتباه داشت را مورد اشاره قرار دهیم و در نظر داشته باشیم که حتی اگر گزارشی نیز به رهبری ارائه شده باشد هیچ‌بعد نیست که در موارد بسیاری دچار نقص در اطلاعات بوده باشد.



ظریف بعد از برجام هم حاضر بود با ترامپ دیدار کند

بعد از خروج یکباره ترامپ نسب به گفت‌وگو دوباره، دید مثبتی نداشتند، از این زاویه می‌شود گفت که اساساً امکان مذاکره با آمریکا در آن زمان وجود نداشت. محمدجواد ظریف در توجیه اینکه چرا حاضر به پذیرش پیشنهاد مذاکره با ترامپ آن هم بعد از خروج آمریکا از برجام بوده است، می‌گوید: «اگر به نتیجه رسید که بنسبیده، اگر نه ما در سطح وزیر خارجه یک ملاقاتی کردیم... این طور نیست که رئیس‌جمهور ما با ترامپ دیدار کرده باشد... اینکه وزیر خارجه ایران با رئیس‌جمهور آمریکا با همدیگر ملاقات کنند حالا به نتیجه برسد یا نرسد خیلی کسر شأن برای کشور نیست. من حاضرم این کار را بکنم... ظاهراً پیام من اصلاً به مراحل عالی نرسید و در همان سطوح پایین‌تر مورد قبول قرار نگرفت....»

ظریف درحالی مذاکره وزیر خارجه ایران با ترامپ را کسر شأن تلقی نکرده که آن زمان آمریکا به‌عنوان طرف خاطی برجام را پاره کرده بود و ابزار تأملی مجدد به توافقی که کاملاً زیر پا گذاشته شده است، چیزی جز ارسال پالس ضعف تلقی نمی‌شد. این نکته را علی صوفی، دبیرکل حزب پیشرو اصلاحات هم متذکر می‌شود و می‌گوید: «معنای نگارش این نامه در شرایطی که آمریکا روزه‌روز بر تحریم‌های خود علیه ایران می‌افزاید، تسلیم شدن و بالا بردن دست‌ها در برابر آمریکا است.» ظریف درحالی معتقد است که اجازه داده نشد با آمریکا برای احیای برجام مذاکره صورت بگیرد که نه در دولت و نه در افکار عمومی اقبالی نسبت به این تصمیم وجود نداشت و حتی ممکن بود با واکنش منفی همراه شود. نکته قابل توجه دیگر این است درحالی که ترامپ به‌صورت یکجانبه زیر میز برجام زد و بده‌عیدی کرد، مذاکره دوباره با او درباره بازگشت به برجام، ایران را در موضع ضعف قرار می‌داد، درحالی‌که تضمینی هم وجود نداشت که ترامپ دوباره زیر میز توافق بزند و بده‌عیدی کند. توجیهات غیرمنطقی وزیر خارجه دولت روحانی سوال دیگری را در آذهنان ایجاد می‌کند یا این مضمون که اساساً بیان کردن موضوع درخواست دیدار ترامپ با ظریف در شرایط فعلی و بعد از اینکه ترامپ در دی ۹۸ حاج قاسم سلیمانی را به شهادت رساند و این اقدام او باعث ایجاد نفرت بیشتر نسبت به ترامپ در میان مردم شد، چه آورده‌ای دارد؟ نبود توجیه منطقی این شائبه را ایجاد کرده که ظریف رسیدن ایران و آمریکا به یک توافق بر سر احیای برجام را محتمل دانسته و حال نگران است که نکند آنچه او دستاورد زندگی سیاسی خود می‌داند از چنگ رفته و دولت دیگری با نقد کردن برجام برند سیاسی او را تصاحب کند.

ظریف در بخشی از گفت‌وگویی که سه‌شنبه‌شب در کلاب‌هاوس داشت به ماجرای درخواست ملاقات ترامپ برای دیدار مستقیم با او اشاره می‌کند: «یکی از سناتورهای نزدیک به ترامپ در یکی از سفرهای من به نیویورک که برای اجلاس ان‌بی‌تی رفته بودم، حدود سه‌هفته قبل از تحریم خودم توسط آمریکایی‌ها آمد سراغ من... آخرش گفت من آمدم بگویم آقای ترامپ از شما دعوت کرده که به کاخ سفید بروید در آن اتاق بیضی با هم ملاقات کنید. من پاسخ دادم که برای چنین کاری نمی‌توانم خودم تصمیم بگیرم ولی بیش از این حرف‌ها چیزی ندارم به ترامپ بگویم... و منتقل کردم به ایران که من می‌دانم این کار برای من خودکشی سیاسی است اما اگر کشور این آمادگی را داشته باشد، من این کار را می‌کنم.» ظریف درحالی از تأمل خود به مذاکره با ترامپ می‌گوید که بعد از خروج از برجام و بده‌عیدی او درباره این توافق، حتی اصلاح‌طلبان هم نسبت به ترامپ خوش بین نبودند. بهزاد نبوی، نماینده مجلس ششم و عضو سابق سازمان مجاهدین انقلاب، معتقد بود: «ضربه دوم به برجام، پیروزی ترامپ در انتخابات آمریکا بود که منجر به خروج آن کشور از برجام و برقراری گسترده‌ترین وبی‌سابقه‌ترین تحریم‌ها علیه کشورمان شد.» بعد از انتشار نامه چندفعال سیاسی و درخواست مذاکره مستقیم با آمریکا در ۲۶ خرداد سال ۹۷ محمدباقر نوبخت، سخنگوی وقت دولت گفت: «ما هرچرا از پیشرفت نظام نیاز به مذاکره بوده پای آن نشستیم، یک نمونه آن برجام بوده، اما الان سوال اینجاست تا چه کسی قرار است مذاکره کنیم؟ با فردی که ثبات فکری و سیاسی ندارد؟ اکنون زمینه‌ای برای مذاکره با چنین فردی وجود ندارد. مذاکره حسب موردی است اما افکار عمومی استقبال نمی‌کند که مذاکره‌ای با چنین فردی صورت گیرد. درواقع هیچ منطقی مذاکره با این فرد را قبول نمی‌کند.» حمیدرضا آصفی، سخنگوی وزارت خارجه دولت اصلاحات هم نسبت به این نامه واکنش منفی نشان داد و گفت: «تجربیات ما می‌گوید که دولت آمریکا به هیچ‌عنوان قابل اعتماد نیست و این شرایط برای ترامپ مضعاف است.» سیدرضا اکرمی، رئیس شورای فرهنگی نهاد ریاست‌جمهوری هم معتقد بود که ترامپ به هیچ‌قاعده و قانونی پایبند نیست: «باید پذیرفت که آمریکایی‌ها و در رأس آن ترامپ به هیچ‌قاعده، قانون، عرف و اخلاقی پایبند نیستند، درنتیجه مذاکره با آنها نیز خلاف عقلانیت است.» واکنش منفی اصلاح‌طلبان به مذاکره مستقیم با ترامپ این واقعیت را نشان می‌داد که نگاه مثبتی نسبت به مذاکره با آمریکا در دوران ترامپ وجود ندارد، این نگاه منفی در دولت روحانی وجود داشت و افکار عمومی هم



میدان حامی دیپلماسی؛ ظریف از اظهاراتش عقب نشست

سال پیش او به قدری روشن و واضح است که نیازی به توضیح بیشتر ندارد. اما سوال اصلی اینجاست که دلیل این تغییر موضع یا به تعبیر دقیق‌تر عقب‌نشینی ظریف از اظهارات پیشین خود چیست. گرچه در همان زمانی که صوت گفت‌وگوی ظریف با لیلان لورفت سخنان او با واکنش‌های منفی بسیار گسترده‌ای رویه‌رو شد و احتمالاً این انتقادات در انگیزه ظریف برای تلطیف مواضع خود موثر بوده باشد اما نمی‌تواند همه علت این تغییر مواضع باشد زیرا ظریف طی دو سال گذشته فرصت‌های زیادی برای اظهار همین نکاتی داشته که در روزهای گذشته از او شنیده‌ایم. پس شاید سوال بهتر و دقیق‌تر این باشد که چرا ظریف بعد از حدود دو سال سکوت کامل، با انتشار متنسی جنجال‌برانگیز در صفحات مجازی خود و سپس با برگزاری جلسه‌ای شش‌ساعته در کلاب‌هاوس تلاش دارد تا به سرخط خبرها برگردد. یکی از دلایل اصلی این اتفاق می‌تواند نزدیک بودن وقوع توافق احتمالی ایران با غربی‌ها باشد. طبیعی است که اگر دولت رئیسی به توافقی با دولت‌های غربی دست پیدا کند افرادی که مدعی بودند تنها کسانی هستند که زبان دنیا را بلدند تا متضرران اصلی این توافق خواهند بود. او با اظهاراتی مبنی بر اینکه فرصت دیدار با ترامپ

بخش قابل توجه دیگری از صحبت‌های سه‌شنبه‌شب ظریف به ارتباط بین میدان و دیپلماسی ارتباط داشت. او مدعی بود هرچاه که میدان و دیپلماسی با هم هماهنگ بودند دستاوردهای خوبی حاصل شد. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد او اشاره‌هایی هم به هماهنگی کامل خود با شهید سلیمانی در جریان مذاکرات عراق و افغانستان داشت و موفقیت‌های حاصله در این دو مقوله را ناشی از هماهنگی کامل با شهید سلیمانی می‌دانست. این درحالی است که کسی که اولین بار دوگانه «میدان» و «دیپلماسی» را با این ادبیات مطرح کرد خود ظریف بود. او در گفت‌وگویی که در اواخر سال ۱۳۹۹ با سعید لیلان داشت اظهار داشت که «میدان» هیچ‌وقت اقدامی انجام نداده است که برای رفع یا کاهش تحریم‌ها استفاده شود و به نفع دستگاه دیپلماسی باشد. او با ذکر مثالی درباره شش برابر شدن پروازهای ایران ایر به سوریه با اصرار شهید سلیمانی بعد از برداشتن شدن تحریم‌های این شرکت، ادعا می‌کند که همواره این دیپلماسی بوده که برای میدان خرج شده است. او در صحبت‌های خود میدان را حاکم بر سیاست خارجی، تبلیغات، اظهارنظرها و به‌طور خلاصه گفت میدان «حاکم بر همه چیز» است. تناقض صحبت‌های اخیر ظریف با اظهارات دو